



جامعه عشایر کرمان و جایگاه اقتصادی آن



♦ محسن شفیعی

کارشناس اداره کل امور عشایر کرمان

سکونت یافته‌اند این‌ها را در مجموع به دو فرقه ترکان و اعراب تقسیم نموده‌اند.

از حدود یازده میلیون و یکصد و ده هزار نفر جمعیت عشایر ایران در زمان صفویه و با در نظر گرفتن جمعیت ۴۰ میلیون نفری پهنه ایران براساس منابع صفوی حدود ۲۷،۸ درصد کل جمعیت آن روز جامعه ایران را عشایر تشکیل می‌دادند. مستندترین اطلاع آماری بعدی از عشایر

مبانی اکولوژیکی فلات ایران و تاریخ معیشت اقوام این مرزوبوم نشانگر آن است که از قدیم‌ترین دوران، کوچ و کوچ‌چندگی یکی از انواع معیشت در این قلمرو جغرافیایی بوده است. اولین اطلاعات رسمی که از جمعیت عشایری ایران در دست می‌باشد مربوط به اواخر دوران صفوی است که ترکیب ساختی آن به دو صورت عشایر ایرانی‌الاصل و عشایر بیرونی مشخص گردیده است.

عشایر ایرانی‌الاصل به عشایری گفته می‌شود که در طول تاریخ کهن ایران همیشه در این مرزوبوم می‌زیستند و از مرزهای آن پاسداری می‌کردند. درون‌گروهی ازدواج می‌نمودند و با هیچ رده دیگری در هم نمی‌آمیختند. عشایر بیرونی به آن دسته از عشایر گفته می‌شود که قبلاً ساکن ایران نبوده و از کشورهای هم‌جوار به ایران آمده و

لران (الوار)، بلوچ‌ها، کوچی‌های کهن، ترکان (ایلات ترک) و عرب‌ها (عشایر عرب) تقسیم می‌شوند که چهار دسته اول عشایر ایرانی‌الاصل و دو دسته بعدی عشایر بیرونی می‌باشند.

مبنای زندگی اقتصادی عشایر کوچنده مشتمل بر دام، مرتع طبیعی، آب و نیروی انسانی و اساس زندگی آن‌ها بر بنیان نظام سلسله مراتبی است. مبنای زندگی اجتماعی بر ساختار قبیله‌ای و از نظر شیوه زندگی کوچندگی مبتنی بر حرکت و جابجایی است و به لحاظ فرهنگی برای افراد ایل، داشتن گویش مشترک، مذهب و رفتارهای اجتماعی خاص و آداب و سنن مشترک و بالاخره همبستگی و وابستگی به ایل مهم‌ترین شاخص است.

هرچند شاخص‌های بالا به عنوان مبنای زندگی کوچندگی و عشایری محسوب می‌گردند، اما باید این واقعیت را پذیرفت که امروزه با تغییرات اقلیمی و جغرافیایی، دگرگونی‌های اجتماعی، پیشرفت‌های علوم و فناوری، توسعه خدمات زیرساختی، آسان‌تر شدن ارتباطات و دسترسی به مناطق شهری و روستایی، افزایش دانش و سطح سواد و تحصیلات در جوامع عشایری سبب تغییرات گسترده‌ای در این مبنای گردیده است.

کرمان و عشایر

سرزمین کرمان در جنوب شرق فلات مرکزی ایران قرار گرفته است. امتداد سلسله جبال زاگرس و کوه‌های مرکزی در این سرزمین از یک سو و از سوی دیگر قرار گرفتن بیابان لوت و مناطق پست کویری سبب ایجاد تلاقی استثنایی بین بلندی و پستی، بین ناحیه کوهستانی و کویری و بین گرمی و سردی شده است. همچنان که دیار کرمان ریشه در تاریخ ایران زمین دارد حضور کوچندگان در این سرزمین نیز در تاریخ ریشه دارد. در تاریخ کرمان قبایل از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و در این میان از اقوام کوچ، بلوچ و بارز در قدیمی‌ترین نسخ تاریخی یاد شده است. بعضی از ایلات و عشایر کرمان از نقاط دیگر و به دلایل مختلف به این سرزمین مهاجرت نموده‌اند برخی به دلیل درگیری‌های قومی و تنگ شدن عرصه چَرا به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند که از آن جمله ایل لک که در حدود سال ۱۱۰۰ هجری شمسی و ایل سلیمانی ۳۰۰ سال قبل از مناطق فارس به این منطقه آمده‌اند. با ورود اسلام به ایران برخی از طوایف عرب در دوران گسترش اسلام به این منطقه آمده و در اینجا ماندند. در هنگام مهاجرت خان زند از شیراز به کرمان و با توجه به تبار لر کریمخان زند سپاهبانی که به همراهی او آمده بودند بعد از فتح کرمان

متعلق به زمان ناصرالدین‌شاه قاجار است زیرا در این زمان اداره بررسی ایلات و عشایر ایران در تهران ایجاد و کل عشایر ایران را در پنج شاخه کردها، لرها، ترک‌ها، بلوچ‌ها و عرب‌ها مورد مطالعه قرار داده است. در اوایل سلطنت مظفرالدین شاه قاجار تعداد عشایر را ۳۴۲۰۰۰۰ نفر معادل با ۲۸٫۵ درصد کل جمعیت کشور ذکر کرده‌اند و در پایان دوره پهلوی اول جمعیت عشایر را کمی بیش از ۲۰ درصد جمعیت ایران محاسبه نموده‌اند. در سال ۱۳۶۰ کل جمعیت عشایر ایران ۲۹۶۰۰۰۰ نفر محاسبه شده است. در سال ۱۳۶۶ سرشماری مخصوص عشایر کوچنده ایران تحت عنوان سرشماری اجتماعی، اقتصادی عشایر کوچنده انجام که بعداً در مقاطع ده‌ساله در سال‌های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ این سرشماری مختص جامعه عشایر کوچنده ایران توسط مرکز آمار ایران تکرار شده است. نکته مهم در سرشماری‌های بعد از انقلاب فقط مربوط به سرشماری عشایر کوچنده بوده است.

بررسی آماری جمعیت عشایر ایران در زمان‌های مختلف نشان‌دهنده این موضوع است که علی‌رغم کاهش شدید درصد نسبی جمعیت عشایر ایران به کل جمعیت کشور، اما کاهش میزان جمعیت و نفرت عشایر چندان شدید نیست و این موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که در کنار افزایش جمعیت روستانشین و شهرنشین پتانسیل کوچندگی در ایران نسبت به بهره‌وری از مراتع نتوانسته جمعیتی بیش از این میزان را در خود جای دهد. عشایری که امروزه در پهنه ایران پراکنده‌اند از نظر قومیت، فرهنگ و زبان به شش دسته بزرگ شامل: کردان (اکراد)،



ارزویی، زیست‌بوم سیرجان - حاجی‌آباد، زیست‌بوم رابر - کهنوج، زیست‌بوم جیرفت - ساردوئیه، زیست‌بوم جالباز جنوبی، زیست‌بوم جازموریان، زیست‌بوم بم و زیست‌بوم شهرابک از جمله زیست‌بوم‌های عشایر کرمان است.

عشایر و اقتصاد

هرچند جامعه عشایر درصد پایینی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، اما با توجه به ساختارهای زندگی این جمعیت با قاطعیت می‌توان این جامعه را به عنوان جامعه‌ای مولد و تولید کننده قلمداد کرد که در سخت‌ترین شرایط و با کمترین امکانات سهم مهمی در تولیدات کشور دارند. مهم‌ترین فعالیت‌های تولیدی این جامعه به شرح زیر است:

- پرورش دام: همان‌طور که قبلاً در مبانی اقتصادی زندگی عشایر بیان گردید، پرورش دام و دامداری پایه و اساس فعالیت‌های اقتصادی عشایر است و تولیدات دامی بخش قابل‌توجهی از درآمد زندگی عشایر را تأمین می‌نماید. با توجه به سرشماری سال‌های ۱۳۸۷، ۱۳۷۷، ۱۳۶۶ عشایر کوچنده ایران، جمعیت دام عشایر کرمان در طی سالیان گذشته کاهش داشته که این موضوع ناشی از دلایل زیر می‌باشد:

اول کاهش جمعیت عشایر و به دنبال آن کاهش جمعیت پرورش‌دهندگان دام و دوم کاهش ابعاد گله‌های پرورشی توسط عشایر که در مجموع علل فوق ناشی از عوامل زیر است:

الف: دوره‌های خشک‌سالی طولانی‌مدت که سبب از بین

و شکست خان زند از آقا محمدخان قاجار در برخی مناطق کرمان پراکنده و برخی طوایف لر در سرزمین کرمان از آن تاریخ هستند. ایل بچاقچی توسط نادرشاه افشار از منطقه قره داغ آذربایجان و ارسباران به این منطقه کوچانده شده و افشارها که از بزرگ‌ترین ایلات کرمان می‌باشند در اواخر حکومت صفوی به کرمان آمدند. هرچند تحقیقات جامع و دقیقی در خصوص حضور عشایر در سرزمین کرمان صورت نگرفته، اما آنچه مسلم است، عمده حضور طوایف مختلف در این سرزمین از حکومت صفویه به بعد می‌باشد. در گزارش‌های تاریخی مختلف برخی از ایلات و طوایف عشایر در رخدادهای سیاسی این سرزمین نقش مهمی داشته‌اند، از آن جمله حضور در سپاه سلاطین عشره و درگیری با امیر اعظم حاکم کرمان در سال ۱۳۲۹ هجری قمری. از جمعیت عشایر کرمان در زمان‌های گذشته اطلاعات دقیق و قابل استنادی در دسترس نیست اما براساس سرشماری‌های صورت گرفته در سال‌های ۶۶، ۷۷ و ۸۷ از ۱۰۶۴۳۰ نفر (۶،۳۶ درصد جمعیت استان و ۹،۲۴ درصد جمعیت عشایر کشور) در سال ۶۶ به ۱۰۹۳۶۰ نفر (۴ درصد جمعیت استان و ۹،۲۲ درصد جمعیت عشایر کشور) در سال ۸۷ رسیده است.

کاهش درصد جمعیت عشایر استان به دلیل افزایش نرخ رشد جمعیت غیر عشایری در کنار کاهش جمعیت عشایری بوده است، در صورتی که درصد عشایر استان کرمان از کل کشور تقریباً ثابت مانده است که این روند در انطباق با تغییرات جمعیتی عشایر کشور می‌باشد و ناشی از عدم وجود پتانسیل پذیرش جمعیت بیشتر در زیست‌بوم‌های عشایری و در نتیجه سرریز شدن جمعیت عشایر به سمت مناطق غیر عشایری است. نکته حائز اهمیت در خصوص عشایر استان کرمان این است که علی‌رغم تصور عموم از استان کرمان که استانی خشک می‌باشد، قاعدتاً نسبتی بین این سرزمین و عشایر نیست، اما براساس سرشماری عشایر کوچنده سال ۱۳۸۷ مرکز آمار ایران، استان کرمان از لحاظ جمعیتی دومین استان عشایر نشین کشور و از لحاظ تنوع ایلات و اقوام عشایر نشین اولین استان کشور محسوب می‌شود که شاید این موضوع ناشی از مهاجرت قبایل و ایلات مختلف در دوران‌های تاریخی گذشته به این سرزمین و سکنی گزیدن در آن بوده باشد. شیوه کوچندگی زندگی عشایر سبب شده است که عشایر استان در قلمرویی به وسعت ۵۶ درصد مساحت استان پراکنده باشند که بر اساس خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و شرایط زیست‌محیطی و قابلیت‌ها و قلمرو هر قبیله، مناطق عشایر نشین به هشت زیست‌بوم تقسیم گردیده و هر زیست‌بوم به چند سامان عرفی تقسیم می‌شود. زیست‌بوم بافت -



انواع گلیمینه، فرشینه و گلیم فرش می‌باشد. هرچند در گذشته این تولیدات بیشتر جنبه خود مصرفی داشته و جهت تهیه ملزومات خانواده بوده، اما با گذشت زمان و حضور مستشرقین در نواحی جنوب شرق ایران و راه‌اندازی کمپانی قالی شرق و معرفی این دست بافته‌ها به بازارهای جهانی و فراهم شدن بازار فروش این محصولات، تولید آن‌ها از حالت خود مصرفی خارج گردید. با گشتی در بازار فرش و دست بافته‌های سرزمین کرمان بسیار به نام قالی و قالیچه‌های افشاری برمی‌خوریم. بسیاری از پژوهشگران حوزه صنایع دستی فراوانی و مرغوبیت مواد اولیه (پشم و کرک) و همچنین تنوع ایلات و عشایر در سرزمین کرمان را دلیل مرغوبیت و شهرت فرش‌های کرمان می‌دانند. گلیم شیریکی پیچ که امروزه با ثبت جهانی در دنیا جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است و در صدر صنایع دستی ایران نشسته یکی از هنرهای زنان عشایر بوده، مخصوصاً عشایر ترک‌تبار افشار و بچاقچی در محدوده شهرستان‌های سیرجان و بافت که بعداً به تدریج این تکنیک بافت گلیم در بقیه نقاط رواج یافته، اما هنوز نیز بهترین بافندگان این نوع گلیم، زنان و دختران با ریشه و اصالت عشایر هستند. براساس سرشماری‌های صورت گرفته در سنوات قبل بیش از ۴۶۰۰ خانوار عشایر در کار تولید دست بافته‌ها می‌باشند و در مجموع در حدود ۳۵ درصد صنایع دستی داری کرمان توسط جامعه عشایر تولید می‌گردد.

-کشاورزی: هر چند شغل اصلی عشایر دامداری و پرورش دام در مرتع است و در گذشته خیلی با کشاورزی سروکار نداشتند، اما معمولاً طوایف عشایر در محدوده‌های زیست خود، مخصوصاً در مناطق بیلاقی با استفاده از آب چشمه‌سارها یا قنوات اقدام به مقداری کشت و زرع بویژه کشت جو و گندم به منظور تغلیف دام و تأمین مقداری مایحتاج خود می‌کردند. با گذشت زمان و ورود فناوری حفر چاه عمیق از یک‌سو و از سوی دیگر سیاست‌های حکومت پهلوی در اسکان عشایر و سیاست ساماندهی عشایر در بعد از انقلاب زمین‌های کشاورزی به عشایر واگذار که همین موضوع سبب توسعه فعالیت‌های زراعی و باغداری در زیست‌بوم‌های عشایر گردید. براساس آخرین آمار بالغ بر ۳۵۸۱۶ هکتار سطح زیر کشت محصولات زراعی و باغی جامعه عشایر استان است که سالانه بالغ بر ۶۹۱۵۵ تن محصولات کشاورزی تولید می‌گردد و میزان درآمد قابل وصول از این بخش بیش از ۵۸۶۳ میلیارد ریال تخمین زده می‌شود.

- تجارت: عشایر کرمان با یکی از محورهای تجارت این سرزمین در قرن‌های اخیر رابطه‌ای مستقیم و قابل توجه



رفتن بخش عمده‌ای از مراتع استان، کاهش کیفیت علوفه تولیدی مراتع و از بین رفتن بخش عمده‌ای از منابع آبی تأمین آب شرب دام و در نتیجه مشکلات تغذیه‌ای دام‌ها گردیده است.

ب: افزایش هزینه‌های تغذیه دام به علت افزایش میزان علوفه دستی و افزایش هزینه‌های تأمین آب شرب دام.
پ: افزایش سن جامعه عشایری و مهاجرت جوانان یا نداشتن انگیزه کافی جوانان جهت دامداری به روش سنتی. براساس آخرین برآوردهای صورت گرفته، جمعیت دام عشایر استان در حدود ۲۲۰۰۰۰۰ رأس محاسبه شده است که عمده آن دام سبک (گوسفند و بز) می‌باشد. تولیدات دامی عشایر استان نیز بیش از ۱۱۰۰۰ تن گوشت قرمز، ۲۵۰۰۰ تن شیر و محصولات لبنی، ۹۰۰ تن پشم و ۶۰۰ تن کرک و مو برآورد می‌گردد که در مجموع ارزش این تولیدات بیش از ۱۷۲۸۴ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. نکته مهم در بحث تولیدات عشایر استان این است که عمده این تولیدات علاوه بر مصرف خانوارهای عشایر و دوستان و آشنایان در سبد غذایی جامعه استان قرار می‌گیرد و عمدتاً در بازارهای مراکز شهرستان‌ها مرکز استان و مقداری در بازار استان‌های هم‌جوار (هرمزگان و یزد) عرضه می‌گردد و تنها محصول پشم و کرک و موی تولیدی به دلیل عدم مصرف در استان و از طرفی شهرت و مرغوبیت کشوری و حتی جهانی در بازارهای سطح کشور و بین‌الملل عرضه می‌گردد.

- صنایع دستی: یکی از فعالیت‌های اقتصادی عشایر کرمان تولید صنایع دستی مخصوصاً دست‌بافته‌های داری و بویژه



در حال حاضر
نیز عشایر کرمان
عمده تولیدکننده
کرک ایران
می‌باشند که در
بازار بین‌الملل
شناخته
شده است و
رنگ‌بندی آن
یکی از ویژگی‌های
منحصربه‌فرد
است که متأسفانه
به دلیل عدم
وجود صنایع
بعدهی در تکمیل
زنجیره ارزش
افزوده این
محصول عمده،
درآمد محصول،
نهایی در جیب
کشورهای دیگر
وارد می‌شود.



و پشم) و این موضوع باعث رهایی عشایر کرمان از یک بازار لوکس صادراتی گردید. این پدیده علاوه بر این باعث شد تا عشایر با گروهی از فروشندگان جزء شهری مانند قصابان محلی آشنا شوند البته این موضوع باعث نشد که رابطه عشایر با خریداران سنتی محصولات خود و شرکای تجاریشان که عمدتاً از همان تجار و بازرگانان عمده بودند قطع گردد. در این میان سال‌های پرباران و کم باران در زندگی عشایر و ارتباط آن‌ها با تجار بسیار مؤثر بوده و هست، به طوری که در سال‌های خشک‌سالی و بی‌رونقی مراتع و تلفات دام‌هایشان، عشایر به طرف‌های بازاری‌شان یا همان مشتریان همیشگی، مقروض می‌شدند و با بدهکار بودن عشایر، تاجران دیگر نگران رقابت بیشتر در بازار بودند و مزیت معامله در خرید و فروش از دست عشایر خارج می‌گردید. نقش عشایر کرمان در اقتصاد و تجارت را زمانی درمی‌یابیم که اظهار نظر پژوهشگران انگلیسی و جهانگردان این کشور به ایران را مورد بررسی قرار دهیم. در مجموعه‌ای که دانشگاه کمبریج انتشار داده و گوشه‌هایی از تاریخ اقتصاد ایران را در آن آورده، نقش کرمان بسیار مؤثر اعلام و سهمی هم برای عشایر استان قائل شده است. با بررسی این گزارش‌های تاریخی به خوبی می‌بینیم، محصولی که تقاضای دائمی برای آن وجود داشته، پشم و کرک کرمان بوده است. در حال حاضر نیز عشایر کرمان عمده تولید کننده کرک ایران می‌باشند که در بازار بین‌الملل شناخته شده است و رنگ‌بندی آن یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد است که متأسفانه به دلیل عدم وجود صنایع بعدی در تکمیل زنجیره ارزش افزوده این

داشته‌اند. براساس اسناد معتبری که در دسترس است در پنج شش قرن اخیر بافته‌هایی چون شال، قالی و پارچه‌های گوناگون و مهم‌تر از آن تهیه و تولید پشم که از صادرات معروف بود، جان‌مایه تجارت و محور اقتصاد کرمان را تشکیل داده است. تولیداتی که ریشه در جامعه عشایر دارد. دلیل دیگر این تأثیرگذاری تعامل تجارت با وضعیت عشایر کرمان است؛ به این معنی که هر وقت بازار پشم، فرش، شال و تولیداتی از این دست رونق داشته، درآمد عشایر نیز بالا رفته و آرامش بیشتری یافته‌اند و عکس این موضوع نیز صادق است. تولیدات عشایر از جمله نیازهای روزافزون جامعه شهری است و ارتباط با بازرگانان شهری در تداوم این چرخه تولید و حیات تجاری و اقتصادی عشایر مؤثر می‌باشد. تجارت صادراتی الیاف دامی و فرآورده‌های حاصل از الیاف دامی نقش مهم و غیرمعمولی را از قرن ۱۷ تا اواخر ۱۹۷۰ میلادی در کرمان بازی می‌کرد. در نتیجه از قرن هفدهم تولید عشایر در جهت صادرات تنظیم شده بود و عشایر را با بازار جهانی مرتبط می‌ساخت. با توجه به نکات بالا عشایر رابطه بلندمدت و وابستگی به تجار شهری را که دارای موقعیت‌های کلیدی در مبادله کالاهای تولیدی و مصرفی نواحی روستایی و عشایری بودند، گسترش می‌دادند. این تجار جریان اعتبار را کنترل می‌کردند، به طوری که بتوانند قدرت بیشتری بر تولیدکنندگان کوچک داشته باشند. عشایر کرمان به عنوان تولیدکنندگان کرک (کشمیر) منطقه در قرن هجدهم با صادرات کرک و در قرن نوزدهم با صادرات شال کرمان که از همین کرک به دست می‌آید به بازار جهانی مرتبط بودند. هرچند حوادث اواخر قرن نوزدهم و قیام شال‌باغان کرمانی و پاره‌ای عوامل سیاسی و سودجویی‌های عده‌ای به سبب تعطیلی شال کرمانی گردید، اما در قرن بیستم نیز پیوندهای عشایر با بازار جهانی قطع نشد. طرح مسئله قالی کرمان و حضور عشایر در این بخش با توجه به اینکه رابطه عشایر با قالی امری بدیهی است، حضور و فعالیت عشایر در این بخش را تضمین کرد. تغییر ارزش نسبی پشم و کرک باعث شد بسیاری از عشایر گله‌های بزرگ بز را به گله‌های مختلط بز و گوسفند تبدیل کنند. با رشد اقتصاد نفتی، عرضه‌های دیگر نرخ بازده بالاتری برای سرمایه‌گذاری نسبت به تولید و صادرات قالی فراهم کردند. سرمایه‌گذاران و اعضا سرآمد به سرمایه‌گذاری‌های دیگر روی آوردند و همزمان کارگران شهری به علت دستمزدهای بالاتر، بافندگی را ترک کرد و سرانجام همراه با تحولات در اقتصاد کرمان بازار پرونق گوشت پدیدار شد. در سال ۱۹۷۵ میلادی بیشترین بخش درآمد عشایر از گوشت بود نه از الیاف دامی (کرک

امروزه معدودی.

از کشورهای

جهان دارای

زندگی کوچ‌نشینی

می‌باشند.

پالاندگی

سرمایه‌گذاری

بر روی

زیرساخت‌های

گردشگری استان

و تبلیغات و

بازاریابی مناسب

در سطح ملی و

پویژه جهانی

می‌توان نسبت به

جذب گردشگر و

ورود درآمدهای

ارزی به جامعه

عشایر استان

اقدام نمود.

متفاوت دارند، استان کرمان می‌تواند از جذابیتی بیشتر در این خصوص بهره‌مند باشد. ♦

منابع

- امانی، ایرج، ۱۳۹۳، عشایر سیرجان، انتشارات مرکز کرمان شناسی
- بخشنده نصرت، عباس، ۱۳۹۰، جامعه و منطقه بندی عشایر کوچنده ایران، انتشارات نصرت
- سیستانی، عقیل، ۱۳۹۶، دایرة المعارف دست‌بافته‌های روستایی و عشایری بافت، رابر و ارزویی، انتشارات پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
- صفی نژاد، عباس، ۱۳۹۸، لرهای ایران، انتشارات سفیر اردهال
- گلاب زاده، محمدعلی، ۱۳۹۳، تاریخ اقتصاد و تجارت کرمان، انتشارات ولی
- بی‌نام، برنامه راهبردی امور عشایر کرمان، اداره کل امور عشایر کرمان
- بی‌نام، سرشماری اقتصادی، اجتماعی عشایر کوچنده ایران، مرکز آمار ایران

محصول عمده، درآمد محصول نهایی در جیب کشورهای دیگر وارد می‌شود و شاید همین عامل در کنار افزایش قیمت گوشت و محصولات لبنی، سبب کاهش تدریجی تولیدات الباف دامی در بین عشایر گردیده است.

گردشگری: یکی از موضوعات مهمی که می‌تواند در تنوع‌بخشی به اقتصاد عشایر نقش‌آفرین باشد، حضور عشایر استان در صنعت گردشگری است. با توجه به اینکه امروزه معدودی از کشورهای جهان دارای زندگی کوچ‌نشینی می‌باشند، با اندکی سرمایه‌گذاری بر روی زیرساخت‌های گردشگری استان و تبلیغات و بازاریابی مناسب در سطح ملی و بویژه جهانی، می‌توان نسبت به جذب گردشگر و ورود درآمدهای ارزی به جامعه عشایر استان اقدام نمود که سبب‌ساز رونق اقتصادی بیشتر این جامعه و حضور دلگرم‌تر جوانان تحصیل‌کرده عشایر و نخبگان آن‌ها در این صحنه خواهد شد. تجربیات استان‌هایی مانند فارس که اقداماتی در این زمینه داشته‌اند، گواهی و شاهی قوی بر این مدعاست که با توجه به تنوع بیشتر ایلات و طوایف عشایر کرمان که قطعاً هر یک ریشه‌ای تاریخی و فرهنگی

